



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## بررسی عدم النفع در فقه و حقوق موضوعه

◆ محمد حسین پور امینی

### فصل اول: کلیات

#### ۱.۱. تعریف منفعت

در تعریف و معنای منفعت گفته‌اند: «منفعت در حقیقت فایده‌ای است که به تدریج و در اثر مرور زمان از مالی به دست می‌آید».<sup>(۱)</sup>

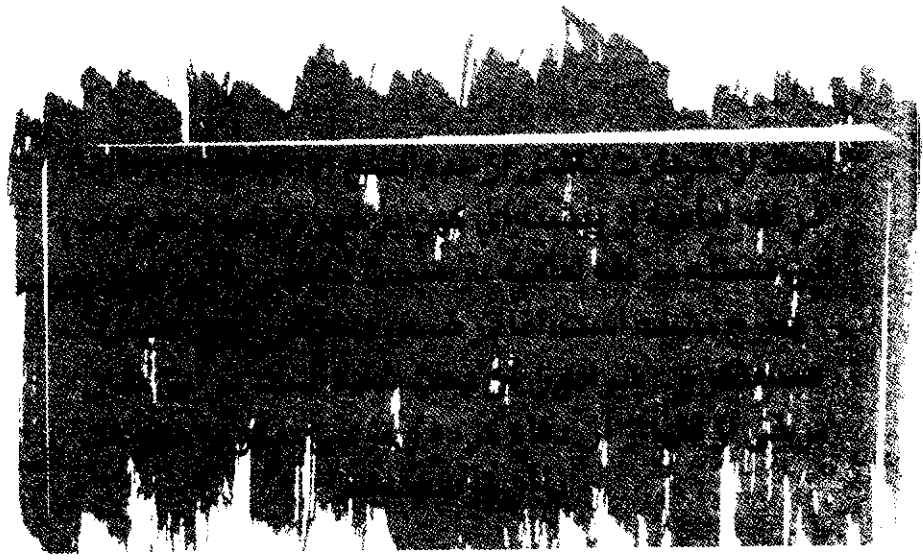
#### ۱.۲. تعریف عدم النفع

آن بحث شده است. در این میان برخی از فقها از آن دفاع کرده و برخی دیگر به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

در این نوشتار طی چهار فصل به تعریف و تبیین «عدم النفع» پرداخته و ضمن بیان شرایط جبران آن، به بیان دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه پیرامون آن می‌پردازیم.

### چکیده

بحث از خسارت ناشی از عدم النفع (Lucrum cessans) در فقه امامیه از پیشینه‌ای کهن برخوردار است؛ هرچند این مسئله در فقه امامیه در مبحث خاصی با این عنوان مطرح نشده است، اما در ضمن مسائلی چون حبس صنعتگر و... پیرامون



شخصی داراست را نیز شامل می‌شود.

### ۱.۳.۲. مفهوم ضرر و زیان

برای درک مفهوم ضرر و زیان لازم است آن را از حیث معنای لغوی، فقهی و حقوقی بررسی نماییم:

#### ۱.۳.۲.۱. معنای لغوی ضرر و زیان

با مراجعه به فرهنگ لغت در می‌یابیم که «ضرر» به معنای گزند و نقصان و ضد نفع است و «زیان» به معنای نقصان و خسارت، ضرر و ضد سود می‌باشد؛ و آن چه که ضرر برساند و یا سبب زیان و خسارت و آسیب گردد زیان‌آور نامیده می‌شود. بنابراین، از لحاظ لغوی این دو کلمه با یکدیگر مترادفند.<sup>(۸)</sup>

#### ۱.۳.۲.۲. معنای فقهی و حقوقی ضرر

##### و زیان

مرحوم بجنوردی در کتاب «قواعد الفقهیه» با بدیهی دانستن مفهوم ضرر در نزد عرف، هرگونه تعریف از این واژه را تعریف لفظی و غیر واقعی دانسته و آن را چنین تعریف می‌کند: «ضرر عرفاً عبارت است از نقصی که بر مال یا هر چیز دیگری که درباره بعدی از ابعاد وجود شخص بوده و موجودیت دارد و یا مقتضی آن محقق باشد، وارد آید»،<sup>(۹)</sup> و مرحوم نایینی نیز در این خصوص می‌فرماید: «ضرر عبارت است از: فوت یا نقص آن چه انسان واجد آن است، خواه نقص باشد یا عرض یا مال یا جوارح، بلکه عدم‌النفع چنانچه مقدماتش کامل شده باشد ضرر محسوب می‌شود».<sup>(۱۰)</sup>

آقای جعفری لنگرودی، از حقوقدانان معاصر در تعریف ضرر می‌گوید: «ضرر در معاملات ذیل به کار می‌رود: الف) صدمه جانی زدن به خود و دیگری خواه به صورت ضرب و جرح باشد، خواه به صورت قتل. ب) تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود.

ج) تعرض به ناموس دیگران.

د) اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر مانند غصب و

لذا ابتدا بدان پرداخته و در ضمن آن به این پرسش پاسخ می‌دهیم.

#### ۱.۲.۱. مفهوم مال

مال در لغت از واژه عربی (مِیْل) به معنای خواستن می‌باشد و علت نامگذاری آن به مال، میل به این و آن و دست به دست گردیدن است.<sup>(۵)</sup>

در اصطلاح فقهی و حقوقی، برخی مال را چنین تعریف کرده‌اند: «المال ما یبذل بازائه شیء» مال آن است که در برابر آن چیزی را به رسم معاوضه می‌دهند. و به تعبیر دیگر، چیزی است که ارزش معاوضه داشته باشد.<sup>(۶)</sup> آقای دکتر کاتوزیان، در تعریف مال می‌گوید: «مال به چیزی می‌گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:

۱. مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی؛
۲. قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد».<sup>(۷)</sup>

بنابراین، با توجه به تعریفی که از واژه «مال» ارایه شد، درمی‌یابیم که مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابل قیمت‌گذاری و معاوضه باشد؛ و از سوی دیگر، مال فقط به ذات اشیا محدود نمی‌شود، بلکه کلیه اعتبارات مسلم و حقوقی که

برخی از حقوقدانان در تعریف عدم‌النفع چنین گفته‌اند: «ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی آن حاصل شده‌است مانند توقیف غیرقانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد»،<sup>(۲)</sup> و برخی دیگر در توضیح این واژه چنین بیان کرده‌اند که: «عدم‌النفع عبارت از این است که شخص از فایده‌ای که انتظار دارد محروم شود»،<sup>(۳)</sup> و برخی دیگر می‌گویند: «هنگامی از عدم‌النفع یا منفعت تقویت شده سخن به میان می‌آید که در نتیجه عمل زیان‌بار، دارایی شخص فزونی نیافته است، در حالی که اگر این واقعه رخ نمی‌داد بر طبق روند عادی امور و تجربه جاری و آماری زندگی، این افزایش انجام می‌پذیرفت».<sup>(۴)</sup>

به‌طور خلاصه باید گفت: «عدم‌النفع عبارت است از فوت شدن منافع محقق‌الوصولی که شخص از آن محروم شده است.»

### ۱.۳. آیا عدم‌النفع از مصادیق ضرر محسوب می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در خصوص «عدم‌النفع» لازم است مورد بررسی قرار گیرد، این است که آیا «عدم‌النفع» از مصادیق ضرر و زیان محسوب می‌شود یا خیر؟

قبل از پاسخ به این سؤال لازم است، مفهوم مال و مفهوم ضرر و زیان روشن گردد.



خیانت در امانت.

ه) ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی آن حاصل شده باشد (عدم‌النفع) ...»<sup>(۱۱)</sup> از مطالب فوق درمی‌یابیم که ضرر، لطمه زدن به هر یک از حقوق و مصالح مشروع انسان است و این حقوق شامل تمامی حقوق و منافع و مزایای وی در چهار چوب قانون می‌باشد. بنابراین، با توجه به تعریف مرحوم نایینی و آقای لنگرودی از ضرر، چنین می‌توان استنباط نمود که عدم‌النفعی که محقق بوده و مقتضای حصول آن تمام شده باشد ضرر محسوب شده و چون هر ضرری طبق قوانین اسلامی باید جبران شود، بنابراین، عدم‌النفع نیز باید جبران شود.

### فصل دوم. شرایط جبران عدم‌النفع

برای قابل جبران بودن خسارتهای ناشی از هر جرمی، لازم است که شرایط و اوصاف ویژه‌ای وجود داشته باشد؛ و با وجود این خصوصیات است که مدعی خصوصی می‌تواند خواهان جبران خسارت باشد. بنابراین، برای قابل جبران بودن خسارتهای ناشی از ضرر عدم‌النفع شرایطی لازم است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### ۲.۱. خسارتهای ناشی از آن باید

مسلم باشد.

برای قابل جبران بودن خسارتهای ناشی از عدم‌النفع لازم است این ضرر و زیان قطعی و مسلم باشد؛ چرا که اساساً ضررهای احتمالی به دلیل این که قطعیت نداشته و هنوز وجود ندارد و تحقق آنها ممکن نیست، قابل جبران نیستند و کسی را نمی‌توان به صرف احتمال ضرر و زیان به جبران خسارتهای ناشی از آن محکوم نمود. ماده (۲) قانون مسئولیت مدنی می‌گوید: «در موردی که واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید».<sup>(۱۲)</sup>

از جمله «ثبوت امر» در می‌یابیم که ورود امر ضرر باید مسلم باشد و به صرف احتمال نمی‌توان کسی را به جبران خسارت محکوم نمود.

### ۲.۲. خسارتهای ناشی از آن باید مستقیم باشد.

دومین شرط برای قابل مطالبه بودن ضرر این است که آن ضرر باید مستقیم باشد؛ بدین معنا که بین فعل زیان‌بار و ضرر ایجادشده، حادثه دیگری وجود نداشته باشد و صرفاً ضرر ناشی از همان فعل تلقی گردد. نکته‌ای که لازم به ذکر می‌باشد این است که، منظور از مستقیم بودن، این نیست که هیچ علت دیگری در ورود ضرر دخالت نداشته باشد، بلکه منظور این است که رابطه سببیت عرفی بین فعل و زیان واردشده موجود باشد؛ هر چند عوامل دیگری نیز باشد که عرف زیان واردشده را به آنها مربوط نمی‌داند. برای مثال: در ماده (۳۲۶) ق.م.ا. آمده است: «هرگاه کسی، دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار، خود را از جای بلندی پرت کند، یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد، در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم‌گیری او گردد، ترساننده ضامن است.»

در ماده فوق هر چند عوامل دیگری در تحقق این جرم دخالت دارند، اما چنان چه می‌بینیم علت عرفی تحقق جرم، ترسانیدن است، پس فقط ترساننده ضامن است.

بنابراین، از آن چه گفته شد در می‌یابیم که در مورد خسارت ناشی از عدم‌النفع لازم است ضرر از جرم ناشی شده و فعل مجرمانه باعث ورود این نوع از خسارت شده باشد تا بتوان آن را مطالبه نمود.

### ۲.۳. خسارات ناشی از آن باید مشروع باشد

سومین شرط برای قابل جبران بودن ضرر عدم‌النفع را باید مشروع بودن منفعت آسیب دیده از ضرر عنوان نمود؛ به طوری که در قانون از آن حمایت شده باشد.

سئوالی که مطرح می‌شود این است که منافع مشروع چیست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت، منافع مشروع عبارت است از منافعی که نه مخالف قانون بوده و نه با اخلاق حسنه در تضاد باشد. مثلاً اگر کسی ادعا کند که در اثر بازداشت غیرقانونی، از شرکت در بازی قمار محروم مانده و اگر او بازداشت نمی‌شد به طور حتم برنده می‌گشت و مبلغ زیادی عاید او می‌شد و یا ادعا کند که در اثر بازداشت غیر قانونی، از ارتکاب سرقتی بازمانده که

بنا بر چه به تعریف مرحوم نایینی و آقای لنگرودی از ضرر، چنین می‌توان استنباط نمود که عدم‌النفعی که محقق بوده و مقتضای حصول آن تمام شده باشد ضرر محسوب شده و چون هر ضرری طبق قوانین اسلامی باید جبران شود، بنابراین، عدم‌النفع نیز باید جبران شود.



در صورت وقوع صاحب اموال زیادی می‌گشت.

این شخص نمی‌تواند مطالبه چنین خسارتهایی بنماید؛ چرا که قمار و اموال حاصل از آن، و نیز سرقت و اموالی که از این طریق نصیب سارق می‌گردید، مشروع و قانونی نمی‌باشد. بنابراین، نمی‌توان خسارتهای ناشی از چنین اعمالی را مطالبه نمود.

### فصل سوم: جایگاه عدم النفع در فقه

#### امامیه

با مراجعه به کتب فقهی، در می‌یابیم که در خصوص واژه «عدم النفع»، به‌طور صریح نظرات موافق و مخالف بیان نشده است بلکه در این خصوص معمولاً مصادیقی مطرح شده و در قالب آن بحث نموده‌اند.

به‌طور مثال: می‌توان از حبس صنعتگری نام برد که این حبس باعث بازماندن او از امرار معاش و کار روزانه گردیده است که در خصوص ضمان جبران آن در بین فقها نظرات متعددی بیان شده است.

ما در این مقام به بیان برخی نظرات مخالفین و موافقین «عدم النفع» در فقه امامیه می‌پردازیم:

#### ۳.۱. بررسی دیدگاه مخالفین

مشهور فقها چنین نظر دارند که ضرر

ناشی از عدم النفع قابل جبران نیست و در این خصوص ضمانی وجود ندارد؛ چرا که آنان بین انسان حرّ و عبد از حیث مالیت داشتن یا نداشتن قایل به تفکیک شده‌اند؛ بدین‌نحو که معتقدند انسان آزاد، از زمره اموال محسوب نمی‌شود و منافع او تابع اوست و مالی مستقل به شمار نمی‌آید؛ و همان‌طور که انسان را نمی‌توان غصب کرد، این عنوان در تسلط منافع او نیز محقق نمی‌شود. پس منافع انسان آزاد در استیلاهی دیگری واقع نمی‌شود و هر گاه بدون استفاده تلف شود، در تصرف خود او از بین رفته و ضمان آن برعهده دیگری قرار نمی‌گیرد؛ و به تعبیر دیگر، منافع انسان آزاد همواره در سلطه خود اوست و اگر تلف شود در ید خودش تلف شده است.<sup>(۱۳)</sup>

در این خصوص از زمره مخالفین عدم النفع می‌توان از مرحوم محقق حلّی، محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، ملا احمد نراقی و... نام برد که در ذیل به برخی از آن نظرات اشاره می‌شود:

محقق حلّی (ره) معتقد است: «اگر کسی صنعتگری را از کار منع کند، اجرتی به صنعتگر تعلق نمی‌گیرد؛ ولی چنانچه از وی کار بکشد، او مستحق دریافت اجرت می‌شود.»<sup>(۱۴)</sup>

مرحوم صاحب جواهر (ره) در کتاب خویش ضمن قبول نظریه محقق حلّی، آن را رأی اصحاب دانسته و می‌گوید که در این خصوص رأی مخالفی را نیافته است.<sup>(۱۵)</sup>

مرحوم ملا احمد نراقی نیز از دیگر مخالفان عدم النفع است و در کتاب شریف «عوائد الایام» چنین می‌فرماید: «چنانچه مالک را از فروش کالایش منع نمایند این عمل اضرار نمی‌باشد، بلکه منع از تحصیل نفع است... و ضرر نیست.»<sup>(۱۶)</sup>

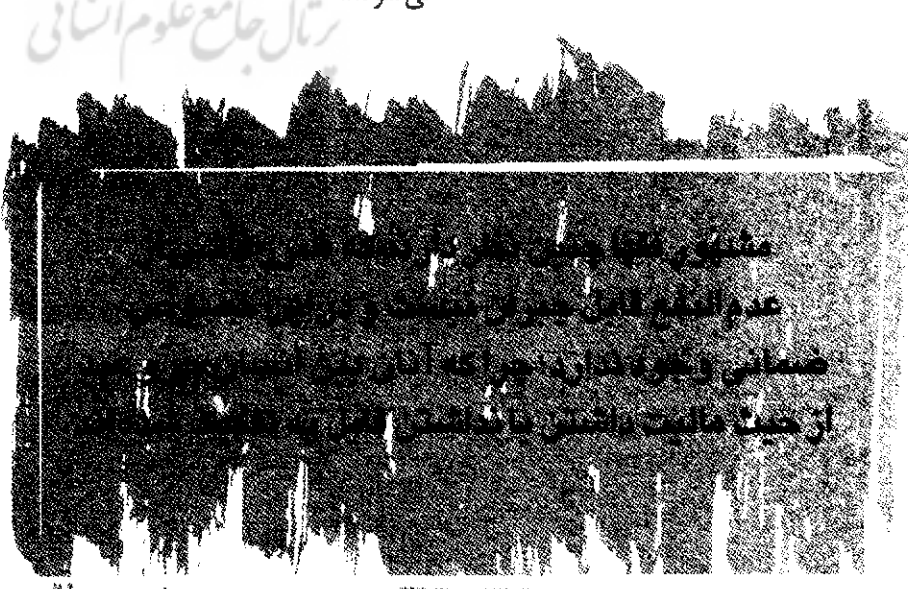
از فقهای معاصر نیز عده‌ای از زمره مخالفین جبران خسارت ناشی از عدم النفع می‌باشند؛ به طوری که برخی از این بزرگواران در پاسخ به استفتائات نگارنده از ایشان، چنین مرقوم داشته‌اند:<sup>(۱۷)</sup>

سؤال اول: اگر کارگر یا جراح یا صنعتگر و... که کسب درآمد برای او محقق الحصول است، نه ممکن الحصول را بازداشت کنند و سپس بی‌گناهی او ثابت شود، آیا او می‌تواند به جهت هدر رفتن نیروی کار خویش ادعای ضرر و زیان نماید؟ سؤال دیگر این که آیا وقت و نیروی چنین افرادی را می‌توان در زمره اموال محسوب نمود؟

آیت... تبریزی: «بسمه تعالی، حبس کارگر یا جراح و مثل آن در صورتی که به ناحق باشد، هر چند کار خلاف شرع و موجب تعزیر است لکن حبس‌کننده اجرت حبس شده را ضامن نیست؛ ولی اگر کارگر یا جراح اجیر برای شخص بوده‌اند و در مدت اجاره حبس شده‌اند، حبس‌کننده نسبت به ایامی که اجیر را حبس کرده اجرت‌المثل او را برای مستأجر ضامن است. واللّه اعلم.»

آیت... صافی گلپایگانی: «بازداشت اشخاص مذکور بدون مجوز حرام است؛ ولی قوت درآمد مالی آنها موجب ضمان مالی نیست. این گونه امور اتلاف مال و ضرر نیست، بلکه عدم النفع است و وقت و نیرو از زمره اموال محسوب نمی‌شود واللّه العالم.»

آیت... فاضل لنکرانی: «خیر، این معنا



عدم‌النفع می‌باشد و شرعاً عدم‌النفع مضمون نیست. همان‌طور که قدرت کار فرد آزاد جزء اموال محسوب نمی‌شود.»

سؤال دوم: در یک حادثه رانندگی، اتومبیل فرد غیرمقصر متحمل خسارت گردیده است؛ با توجه به نظر کارشناس، مدت یک ماه برای تعمیر تاکسی مزبور وقت نیاز است و در ماههای معمولی، راننده تاکسی از این اتومبیل ماهانه هشتاد هزار تومان درآمد داشته که در این مزبور با توجه به تصادف واقع شده، راننده تاکسی از تحصیل درآمد مزبور محروم شده است. آیا راننده تاکسی می‌تواند از جهت عدم‌النفع، مبلغ هشتاد هزار تومان علاوه بر خسارتهای وارد شده بر تعمیر تاکسی، از راننده مطالبه کند؟

آیت‌ا... تبریزی: «بسمه تعالی؛ در فرض سؤال، فرد مقصر ضامن عیب و نقصی است که بر تاکسی وارد شده شده و باید مخارج تعمیر و نیز ما به تفاوت بین حالت سابقه تاکسی و حالت معیوب آن را بر صاحب تاکسی بپردازد و صاحب تاکسی نمی‌تواند علاوه بر خسارات مذکور، مال دیگری به عنوان اجرت ماهانه تاکسی از فرد مقصر مطالبه نماید. واللّٰه‌العالم»

آیت‌ا... فاضل لنگرانی: «خیر، همان‌طور که در جواب سؤال قبل ذکر شد عدم‌النفع شرعاً مضمون نیست.»

آیت‌ا... صافی گلپایگانی: «در مورد سؤال نیز صاحب تاکسی فقط حق مطالبه خسارت وارده به تاکسی را دارد، درآمدهای بعدی ضامن ندارد. واللّٰه‌العالم»

### پی‌نوشت‌ها:

۱. رسانی‌نیا، ناصر، حقوق اشخاص، اموال، مالکیت، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۴۴۵.
۳. بهرامی احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق،

مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۲۳۸.

۴. درودیان، جزوه حقوق مدنی ۴، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.

۵. فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، گنج دانش، ج ۳، ص ۳۳۷.

۷. کاتوزیان، ناصر، دورهٔ مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر دادگستر، ص ۹.

۸. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ج ۱، ص ۲۷۲.

۹. موسوی بجنوردی، سیدمیرزا حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱۰. نجفی خوانساری، شیخ موسی، منیه‌الطالب فی حاشیه‌المکاسب، مؤسسه‌النشر الاسلامی، ج ۳، ص ۳۷۸.

۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی

حقوق، تهران، گنج دانش، ج ۸، ۱۳۷۶، ص ۴۱۵.

۱۲. امینیان مدرس، جزوه حقوق مدنی ۴، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.

۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۱۴۸.

۱۴. محقق حلی، مختصرالنافع، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه‌البعثه، ص ۳۶۶؛ شرایع‌الاسلام، مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه، ج ۳، ص ۲۱۵.

۱۵. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، داراحیاء‌التراث‌العربی، بیروت، ج ۳۷، ص ۳۹.

۱۶. نراقی، ملا احمد، عوائدالایام، عائدۀ چهارم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۵۰.

۱۷. متن استفتائات و پاسخ مراجع معظم در انتهای مقاله درج شده است.

